

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Satire

طنز

سید هاشم سدید

۰۷.۰۹.۲۰۰۸

بیچاره کرزی

کرزی بیچاره! هر تهمتی اگر به کرزی بچسپد، تهمت نامسلمانی به هیچوجه به وی نمی چسپد. اگر همین حالا کرزی می مُرد و او را تشریح (کالبد شکافی) می کردند، می دیدید که کرزی بیشتر از آن چه به امریکانیها نزدیک است، به خدا نزدیکی دارد. شاید باورتان نشود، ولی این حقیقت محض است! تلقی ما افغان ها همیشه از بزرگان توأم با شک و تردید و طعنه و انتقاد است. اگر کرزی به خدا نزدیک نمی بود، اگر کرزی متدین و خداشناس نمی بود، اگر کرزی راست گو نمی بود، اگر کرزی مسلمان نمی بود، ممکن بود خداوند، که می گوید روزی دهنده و عزت دهنده و ... منم، وی را عزت ریاست یک کشور مسلمان را عنایت کند؟!

اسلام شناسان و مفسرین برجسته قرآن همه به این عقیده هستند، که انسان وقتی به اعتلا و عظمت دست میابد که خداوند اراده نموده باشد. پس منطقاً و از دید یک آدم دیندار و مسلمان، من نمیتوانم این تهمت را بپذیرم که کرزی نمیتواند مسلمان باشد؛ نه تنها کرزی که همه این بزرگوارانی که امروز بر مناصب بالا در قضا و شورا و ... لمیده اند، و از زندگی و خوشی های خدا داد شان حظ می برند، باید متدین و مسلمان باشند؛ در غیر آن ممکن نیست، بر حسب آیه های متعدد، مورد لطف خداوندی قرار گیرند.

خداوند متعال در آیه ۴ سوره النساء میفرماید که پیروزی برای شما - خطاب به مسلمانان است - از جانب خداست. پیروزی های زورمندانی که امروز بر سینه فقرای بی روزگار نشسته اند و خون آنان را می مکند، باید لطف بی پایان خداوند باشد به این زورمندان. در غیر آن به این آیه قرآن، که عزت و ذلت را از جانب پروردگار عالمیان می داند، شک نموده ایم. و شک خود کفر است! خدا نجات دهد!

و دیگران، که در مسلمانی شان خلل است، می بینید که خوار و زار و ابتر و پریشان و محتاج و در بدر هستند. پس حرف های مفت نزنید و با خدادادگان، از جمله با کرزی، ستیزه مکنید، که خدا دادگان را خدا داده است؛ و در کار خدا هم اسراری نهفته است که خودش میداند؛ یا راسخون!

تمام گپ ها از یک دروغ برخاسته است! کرزی که به شیندند رفته بود به مردم شیندند گفته بود که: " اختیار این خاک از من است." مردم هم که از یک طرف عاصی هستند و از طرف دیگر به چشم سر میبینند که چنین نیست و این حرف یک دروغ محض است، آن هم دروغ در ماه مبارک رمضان این گپ آن بیچاره را سند مسجل گرفته وی را کافر قلم داد میکنند و حتی میگویند که کرزی روزه هم نمیگیرد.

مردم هم تا حدی حق دارند چنین تصویری داشته باشند؛ زیرا دروغ، در اساس در اسلام گناه است، آن هم دروغی که در ماه مبارک رمضان یا در مسجد و خانه خدا - موضوع مجاهدینی که در خانه خدا قسم خورده بودند و...، گپ دیگری است -، یا بنام خدا و پیامبر و قرآن و اسلام باشد.

(تعجب میکنم که مردم ما که در گذشته ها انقدرها سخت گیر نبودند در این اواخر چطور خیلی از مسایل را جدی می گیرند؛ و نکته سنج شده اند!)

اما، مردم یک چیز را یا فراموش می کنند، یا نمی دانند که ما مسلمانان به این باور هم هستیم که: " گر ضرورت بود، روا باشد."

معنی این وجیزه این است که یک چیزی ناروا در صورت ضرورت، بر اساس شرع میتواند روا باشد. پس توقع چنین است تا مردم ما، باتوجه به چنین گفته های خوب درمورد آن پیرمرد بیچاره اینقدر سخت نگیرند؛ و وی را به کفر و نامسلمانی و ... متهم نه نمایند.

مردم هرچه فکر کنند و بگویند، من بنده خاکی که باورم نمی شود که آقای کرزی روزه نگیرد و مسلمان نباشد! یک دروغ هم آن قدر ها اهمیت ندارد؛ خصوصاً در کشور ما که دروغ به ارزش معتبری تبدیل شده است! خدا یار جان مردم، هرچه که دل شان خواست میگویند. چقدر گناه دارد که انسان، به مسلمانی یک انسان متدین و مسلمان شک کند! بی انصافی هم بالاخره اندازه دارد!

نمیدانم مردم از عاقبت این تهمت بستن های خویش واقف هستند، یا نه! نمیدانم فردا در صحرای محشر، در آن غوغا و جنجال و بگیر و ببند و هین و هان و ... چه جواب خواهند داد؟

هفت سال است که کرزی، همانطوری که یک عمر با روس ها جنگید، با ناتو و با امریکائیها در جنگ است. خوب جنگ هم شیوه های گوناگون دارد. در یک جا تاکتیک عوض میشود و در یکجا استراتژی! با روس ها زره ها و زره پوش ها به هم میخورند و با امریکایی ها کیلاس های آب انار و آب انگور! در آن زمان مرمیها رد و بدل میشدند و امروز کوچه ها! آن زمان جواب خشونت با خشونت داده می شد، ولی امروز جواب هر خشونت با سیاست و دیپلماسی داده می شود. اصطکاکات و برهم خوردن ها از بین نرفته است! آن روز هم مناسبات شان با خارجیها (روسها) خراب بود، امروز هم مناسبات با خارجی ها (امریکائیها) خراب است! این که مردم به حرف وی در شیندند توجه نکرده اند و توجه نمی کنند، گناه مردم است.

امریکائی ها روس ها نیستند! امریکائی ها متمدن ترین ملت جهان و به فرهنگ گفت و گو معتقد هستند، ولی روس غیر از زبان تفنگ دیگر زبانی را نمیفهمد. با امریکائیان باید به مثابه یک ملت با فرهنگ و متمدن برخورد کنیم! روس ها و امریکائیان، هم خود این ها و هم حضور و دلایل حضور این ها در افغانستان فرق میکند! این یکی قانونی است، ولی آن یکی قانونی نبود! (به گفته نطق تلویزیون یکساعته نمایندگان حزب اسلامی در اروپا - در یکی از پروگرام های اولیه شان - در برابریک سوال که خواسته بودند حضور روس ها و امریکائی ها را در افغانستان، از لحاظ قانونی بودن آن ها، بررسی کنند، ذهنیت

عامه جهان - ملل متحد - را ملاک قضاوت های خویش قرار داده، گفتند که چون ملل متحد با ۱۱۲ و ۱۱۷ و ۱۲۷ رأی - ارقام دقیق نیست، زیرا آنچه را که آنها گفتند فعلاً دقیق به یاد ندارم؛ ولی همچو چیزهای بود - آمدن روسها رابه افغانستان تجاوز خوانده اند، بناً ما هم آن را تجاوز میخوانیم. گرچه در رابطه با حضور امریکائیان در افغانستان برخلاف نظرسمی حزب و موقف رهبر آن حزب، هیچ چیزی نگفتند، ولی با چنین دید و با این برداشت، ملاک قرار دادن فیصله ملل متحد درباره قانونی بودن یا قانونی نبودن حضور عساکر بیگانه در یک کشور خارجی، میتوانیم از گفته آنها چنین نتیجه بگیریم که حضور امریکائی ها در افغانستان را آن ها نیز قانونی میدانند.)

کارمل را محافظین روسی محافظت مینمودند، ولی کرزی را محافظین امریکائی. میان این دو محافظین، میان این دو کشور و این دو ملت و میان این دو حضور از زمین تا آسمان فرق است. اینکه مردم متوجه تفاوت یک امریکائی و یک روسی نمیشوند، گناه مردم است.

برادر عزیز من! امریکا کجا و روس کجا! یک بار به نقشه جهان نگاه کن! تفاوت بین زبان امریکائی و زبان روسی، و تفاوت بین فرهنگ امریکائی و فرهنگ روسی را ببین که از کجا تا به کجاست. سخاوت امریکائی را ببین و خست روسی را؛ و باز قضاوت کن! از همه بالا تر، و بالاخره وزن روبل را ببین و وزن دالر را بنگر! و خانه های مکروریان را با قصر های زیبای شادی شیرپور و ... مقایسه کن تا اگر از راه گوش و هوش متوجه تفاوت امریکا و روس نشوی، حد اقل از راه چشم چیزی ببینی و چیزی بفهمی!

بین این ها از زمین تا آسمان فرق است! سیاست هم باید فرق کند! بیگانه تا بیگانه است! بیگانه خوب داریم و بیگانه بد داریم! تجاوز هم به همین نسبت فرق می کند! تجاوز بیگانه بد تجاوز بد است و تجاوز بیگانه خوب تجاوز خوب است! در باب امریکائی ها اصلاً نمی شود آنها را بیگانه خواند. امریکائی ها از کم و بیش سی سال است که ما را کمک میکنند! اینها بیگانه نیستند! در کجای دنیا دیده ائید که بیگانه به بیگانه کمک کرده باشد؟! این ما ها هستیم که کرده های امریکائی ها را فراموش نموده ایم. کرزی فراموش کار و نا سپاس نیست! این از خصلت های خوب وی است که با خارجیان زیاد درشتی نمیکند. پاس نمک را می داند! ما باید از یک جهت از کرزی منت گذار باشیم؛ زیرا اوست که با این کارش به جهانیان ثابت میکند که مردم افغانستان مردم با پاس و حق شناسی هستند.

با یک دروغ این مرد بیچاره و بیخس را به کفر گرفته ائید! انتخابات در پیش است، اگر چیزی میگوید، شما سخت نگیرید. یک نفر و اینقدر کار؛ من از دلش میآیم!

بعنوان یک رئیس جمهور مگر به شیندند نرفت؟ با مردم ابراز همدردی نکرد؟ سال گذشته، بعد از یک حادثه همسانی، خود را به شیندند نرساند؟ همدردی میکند. وعده میدهد و بخاطر همین مردم، مناسباتش با حامیان خراب شده است و ... از این بیشتر چه کند؟ این که تا امروز بار بار به خاطر مردم موقعیت و مقام و چوکی خود را به خطر انداخته و دوستان و حامیان خود را با ایستاده شدن در برابر آنها از خود رنجانده، کافی نیست؟ که این کار را میکند؟ که این کار را کرده است؟

یکنفر است و کل مملکت. هر حادثه که میشود، بدون فوت وقت هیئت و کمیسیون و ... برای بررسی و تحقیق قضیه تعیین میکند. حال اگر کمیسیون و هیئت کار نمیکند، گناه کرزی چیست؟ اگر نتیجه کار یک هیئت هم تا امروز معلوم و اعلام نشده است، کرزی چه باید بکند؟ هر روز سیل اشکش روان است. دیگر از این بد بخت بی چاره چه می خواهید؟

در افغانستان در هر روز یک میلیون قضیه از تجاوز به اطفال خورد سال و رشوه و زورگوئی و فقر و اختطاف و... گرفته تا کشتار دوستانه گناه کاران بوسیله نیروهای دوست رخ می دهد. یک کرزی کجا را باید بگیرد؟

گذشته از این مگر کرزی امریکائیها را آورده است؟ نه برادر من! این امریکائی ها بودند که کرزی را آوردند و آقای کرزی ساختند! من می گویم که آفرینش باد که با وجود این نسبت میان وی و امریکائی ها هنوز هم دعوا می کند که " اختیار این خاک از من است." یا می گوید که به مسئولین این حادثه جزا داده میشود! صد آفرینش باد! آفرین به خودش و آفرین به آن دستی که انگشتش را گرفته و او را پا به پا برده! بیجهت نبود که بابای ملت این خانواده ملی و وطن دوست را مورد تقد و نوازش پدرا نه خویش قرار داده بود و همواره در کنار خویش داشت!

پیشنهاد من این است که حال که ملت بی بابا شده است، چرا وی را بعنوان بابای ملت تعیین نکنیم؟! اگر برای من ممکن میبود، گذشته از این، برایش مدال شجاعت میدادم! امریکائی ها میتوانند، همان گونه که وی را از رستورانی از امریکا برداشته و به ریاست جمهوری کشور ما رساندند، دوباره وی را بهمان محل برگردانند. این واقعیت عریان را اگر هیچ کس نداند، خود کرزی بخوبی میداند! این جرأت این مرد با جرأت، که در برابر ولی نعمتان خویش، با وجودی که میداند که شوریدن بر ولینعمتان کار خردمندان نیست، مییاستد، قابل ستایش است!

ما از کرزی هیچ چیزی طلب کار نیستسم، و هیچ حقی به وی نداریم؛ زیرا این ما نبودیم که کرزی را به مقام ریاست جمهوری رسانیده باشیم! این داد خداست که امریکائیها را برای کرزی وسیله ساخته است. یاری خدا با کرزی بوده است.

کرزی اگر می گوید که: " اختیار این خاک از من است"، به استناد بزرگان دین می گوید، که میگفتند:

" خداوند اختیار همه چیز را به مؤمن داده است. " حال که شما وی را به مؤمن بودن چه که به مسلمان بودن هم قول ندارید، مشکل شماست، نه مشکل کرزی!

در مورد این که چرا خداوند این کار را بوسیله امریکائیان به انجام رسانیده است، باید گفت که عقل در برابر آموزه های دینی هنوز قاصر و صغیر است. بگذارید اول عقل از صغارت ها برآید، بعد همه چیز روشن میشود.